



توانم کفر در اسلام



حجه الاسلام والمسلمین
موسوی تبریزی

کیفر اهل کتاب

در مقالات گذشته چند مطلب در رابطه با اهل کتاب و کیفیت کیفر آنها گفته شد:

- ۱- شرائط اهل ذمه بودن و اینکه چند طائفه از کفار می‌توانند با مسلمین قرارداد ببندند.

- ۲- کیفیت اخذ مالیات و جزیه از آنان.

در این مقاله به کیفیت مجازات آنها در حکومت اسلامی در صورت تخلف و انجام اعمال خلاف مقررات و خلاف شرعی که موجب حدود و تعزیر در اسلام است، میپردازیم همانطوریکه در مقالات گذشته اشاره شد، اعمال خلافی که یک کافر ذمی انجام میدهد به سه قسم می‌شود تقسیم نمود:

- ۱- اعمال خلافی که در رابطه با حکومت اسلامی و در جهت براندازی آن باشد.
- ۲- اعمال فاسد اجتماعی که جهت به فساد کشاندن جامعه اسلامی و ترویج باطل و فحشا و منکرات در اجتماع، انجام شود، اگرچه مقصود کسب مال و ثروت از این طریق باشد نه صرفاً به منظور ترویج فساد.
- ۳- اعمال فاسد و گناهان فردی که شخص کافر نه در خلوت که در میان مردم و

انظار آنها انجام می‌دهد، یا ظلم و تجاوز به حقوق شخصی و فردی بکفر مسلمان و یا کافر ذمی که صرفاً جنبه فردی داشته باشد. اما در رابطه با قسم اول علاوه بر اینکه کلیه آیات و روایاتی که دربارهٔ محارَب و متجاوزین به اسلام و حقوق حکومت اسلامی وارد شده است شامل کفار ذمی نیز میشود و طبق همان روایات و آیات، باید با آنها مبارزه کرد و جنگید و در صورت دستگیری باید مجازات و کیفر محارَب را دربارهٔ آنان اعمال نمود، تمامی آیات مربوط به قتال و مبارزه با کفار که در قرآن کریم آمده است شامل آنها نیز می‌شود، مانند آیه ۲۹ از سوره توبه که می‌فرماید:

" قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ
وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ
أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ
وَهُمْ مُسَبِّحُونَ "

— بپیکار کنید با کسانی که به خدا و روز معاد معتقد نیستند و از آنچه خدا و رسول خدا تحریم نموده‌اند، اجتناب نمی‌کنند و

با کسانی از اهل کتاب که دین حق را نمی‌پذیرند تا هنگامی که حاضر به پرداختن جزیه با دلت و تواضع شوند (در حالیکه مقررات اسلامی را نیز بپذیرند) از این آیه شریفه و دیگر آیات معلوم می‌شود که اگر کفار و اقلیت‌های مذهبی نخواهند در جامعه اسلامی مالیات بپردازند و به مقررات اسلامی و حکومت اسلامی احترام بگذارند، باید با آنها بپیکار نمود تا چه رسد که علیه حکومت نیز قیام کرده باشند و یا با اجانب در راه سقوط اسلام و حکومت اسلامی همکاری داشته باشند. پس اینگونه کفار را باید گفت که در حقیقت با ارتکاب این قبیل اعمال، از ذمی بودن خارج می‌شوند و دیگر آن احترام و مصونیتی را که در حکومت اسلامی در سایهٔ قرارداد ذمه پیدا کرده بودند، ندارند همانطوریکه یک مسلمان نیز اگر همین خیانت را بکند و علیه حکومت اسلامی خروج کند و یا با اجانب همکاری و بنفع آنان جاسوسی کند، مجازات سختی دارد و در این مورد خلافت میان فقهای اسلام نیست، حتی برادران فقهای اهل تسنن نیز به این مطلب معتقد

هستند. عبدالقادر عوده، یکی از علما و نویسندگان اهل تسنن در کتاب "التشريع الجنائي" خود در این زمینه چنین میگوید: "اما اذا كان الغرض من الجريمة، احداث اي تغيير يتنافى مع نصوص الشريعة - كادخال نظام غير اسلامي يخالف النظام، او تمكين دولة اجنبية من التسلط على البلاد او اضعاف قوة الدولة امام غيرها من الدول - اذا كان الغرض من الجريمة شيئا من هذا او مثله، فان الجريمة لا تكون بغيا اي سياسية و انما هي افساد في الارض و محاربة للمعورسولة و هي جريمة عادية قررت لها الشريعة عقوبة قاسية".

یعنی اگر مقصود از جرائم و گناهایی که انجام می دهند ایجاد و احداث تغییراتی در حکومت است که با نصوص شریعت اسلام مخالفت دارد - مانند وارد کردن قانون و یا نظام غیر اسلامی در کشور اسلامی و یا امکان دادن به دولت های اجنبی برای تسلط و نفوذ در دولت اسلامی و یا شهرهای مسلمین و یا غرض تضعیف دولت اسلامی و شکستن ابهت و کيان دولت اسلامی در برابر دولت های کافر و اجنبی باشد - اینگونه جرائم، جرائم سیاسی محسوب نمی شود بلکه اینگونه اعمال، افساد در روی زمین و محاربه با خدا و رسول خدا است که جزای بسیار کوبنده ای را پروردگار برایشان معین فرموده است یعنی مصداق آیه شریفه: "إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَ" "رَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا..." قرار می گیرند.

علاوه بر آیات و روایاتی که در این زمینه داریم و منطق و بیمان اسلام در باره کفر اینگونه افراد از نظر عقلی و اجتماعی نیز بسیار روشن و مبرهن است، چرا که وقتی ملتی با قاطعیت و اکثریت آرا و با زحمات زیاد و ایثارگری و شهادتها، نظامی را تشکیل می دهند و کیفیت قانونگذاری و اجرا و مدیریت را با آرای خود انتخاب می کنند باید اقلیت بآرای آنان احترام بگذارند و در برابر آنها و خواسته آنها - در صورتیکه

برخورد با شرائط انسانی و آزادی مشروع و معقول آنها نداشته باشد - تسلیم شوند. و همانطور که گفتیم اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آنان را در زندگی و انتخاب شرائط آن و تبلیغ و ارشاد مذهبی در میان خودشان و حتی در انتخاب نماینده در مجلس قانون گذاری و در انتخاب شورا - های محلی در محل خودشان و در زبان و حکم و تدریس زبان و مذهبشان در مدارس و دبیرستان های دولتی در میان خودشان، آزاد گذاشته است و هیچگونه برخورد غیر- انسانی را از طرف هیچ مقامی در باره آنها جایز نمی داند، و از کلیه منافع و مناسع اجتماعی و طبیعی، آنها را بهره منده می سازد با این شرائط، کسی که علیه جمهوری اسلامی فعالیت کند، برای تضعیف دولت اسلامی بکوشد و یا بنفع اجانب جاسوسی کند و یا اجانب و محاربین را محل و ماوی بدهد، قهرا با اصل اسلام مبارزه می کند و با آرمانیکه مقدس ترین مسئله در اعتقاد اکثریت قاطع مردم است، در ستیز است، و آزادی و تلاش همچو فردی را در هیچ یک از جوامع بشری نمی پذیرند و روی این عمل صحه نمی گذارند.

لذا هموطنان از اقلیت های مذهبی نباید توقع داشته باشند که تحت لوای اقلیت مذهبی بودن و اینکه حقوقشان را باید مراعات کرد، هر خلافی را بتوانند انجام دهند، و باید بدانند که حقوقشان مانند یک مسلمان در شرائط خاص، محفوظ است ولی خرابکارها و خلافها، با شدت تمام - مانند دیگر اقشار و حتی مسلمین - مجازات و کفر دارد.

و اما قسم دوم باز مجازات و کفر مرتکبین آنها - مانند مرتکبین مسلمان - به عنوان مفسد محاکمه و مجازات می شوند و حکم اسلام در باره آنان جاری می گردد و همانطوریکه یک مسلمان در صورتیکه برای پخش و فروش و تولید هروئین و یا ترابک و یا مشروبات الکلی و یا فیلم های فاسد و سکسی و دیگر مسائل خلاف اخلاق و خلاف اسلام تلاش و

فعالیت نمایند، مفسد شناخته شده و به کفر "مفسد فی الارض" در اسلام مجازات میشود افراد اقلیت های مذهبی نیز همانطور است، قوه قضائیه در اسلام و قاضی در حکومت - اسلامی در مورد اینگونه افراد باید حکم اسلام را اجرا نمایند، و حق ندارند به خود اهل کتاب و علمای آنان واگذار کنند و با حکم مذهب خودشان را درباره این شخص مفسد اجرا نمایند، چرا که یک عمل اجتماعی است و آثار بسیار نامطلوب و خلاف شرع در جامعه دارد و گاهی تلاش در نابودی حرت و نسل بشری است. و مسئولین جمهوری اسلامی برای حفظ جمهوری اسلامی و تکمیل داری آن از سقوط و برای حفظ جامعه اسلامی از فساد و فحشا و انحطاط فکری و اخلاقی آن که بعهدده آنها است و یک واجب شرعی است باید جلوی این قبیل اعمال را بسا قاطعیت بگیرند و مرتکبین را مجازات و کفر نمایند.

و اما قسم سوم که گناهان شخصی و فردی است و گاهی از نظر اسلام گناه و معصیت است و از نظر آنها گناه محسوب نمیشود، در صورتیکه در محکمه اسلامی نزد قاضی جرم مذکور ثابت شد، فقها گفته اند قاضی مخیر است که حکم اسلام را در باره وی با اجرا بگذارد و طبق حکم اسلام او را مجازات کند و یا به دست خودشان وقضات خودشان بسپارد تا حکم خودشان را درباره وی با اجرا بگذارند، مانند کسیکه در جامعه اسلامی شراب می خورد و گناه فردی دیگری را مرتکب میشود. ولی امام احتیاط واجب دارند که حد شرعی اسلامی بر آنها جاری شود.

مرحوم شیخ طوسی «ره» در کتاب نهایه میفرماید: "و اذا زنی اليهودی او النصرانی بأهل ملته، كان الإمام مخيراً بين إقامة الحد عليه بما تقتضيه شريعة الإسلام و بین تسليمه الى اهل دینه او دین المرأة ليقیموا علیهم - الحدود علی ما يعتقدونه " یعنی اگر مرد یهودی و نصرانی با اهل مذهب خودش مرتکب زنا بشود، امام (با حاکم شرع)

مختصر دستور حکومت

خمر دستگیر میشود، جزای او چیست؟
فرمودند: اگر در یکی از بلاد مسلمین
اینگونه اعمال انجام دهند، حدود اسلام
در باره آنها اجرا میشود و اگر در غیر
بلاد مسلمین نیز انجام دهند و پیش حاکم
مسلمین بیاورند، باید حکم اسلامی را در
باره وی اجرا نماید.

در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه
جلد ۵ صفحه ۱۲۵ میگوید:

الشّافعیة والحنبلیة قالوا یقام الحد علی
الیهودی غیره من النصارى والذّمیّین و
المسّانین و ذلك لأنّهم مخاطبون بفروع
الشّریعة خصوصاً اذا رفعت دعواهم الینا و
لأن اقامة الحد یخفف عنهم العذاب یوم -
القیامة ولأن السنّة اثبتت ان النبی (ص) ،
قد اقام حد الزنا علی الیهودی والیهودیة
التي رفع یهود المدینة امرها الیه صلوات
الله و سلامه علیه.

علمای شافعی و حنبلی معتقدند که حدود
اسلام درباره یهودی مانند نصاری و دیگر
اهل ذمه جاری میشود چرا که آنان همانطوریکه
به اصول شریعت اسلام مکلف هستند و باید
معتقد باشند، بفروع اسلام نیز مکلفند و از
طرف پروردگار در دستوراتش مورد خطاب
هستند و وقتی پیش حاکم اسلامی جرائم
آنان ثابت و محرز شد و مجرم را پیش ایشان
بردند، باید احکام و حدود اسلام را جاری
سازد و علاوه بر این، اجراء حدود، عذاب
روز قیامت را نسبت بآنها تخفیف میدهد و
در سنت رسول الله (ص) ثابت شده است که
آن حضرت خود در باره یک زن یهودی و
مرد یهودی حد اجراء کردند. بالاخره آنچه
که مسلم است احکام و حدود اسلام درباره
مجرمین اقلیتهای مذهبی شناخته شده از
طرف اسلام در رابطه با بعضی از جرائم که
قسم اول و دوم است لازم است اجرا گردد
و درباره قسم سوم نیز میشود به اجرا
گذاشت بلکه احوط آن است چنانچه امام
فرمودند و می شود به خودشان واگذار نمود
و این مسئله مورد اتفاق مسلمین اعم از شیعه
و اهل تسنن است.

مخیر است میان اینکه آنها را طبق حکم
شرع مقدس اسلام مجازات نماید و یا اینکه
به اهل مذهب خودشان تحویل دهد تا آنها
طبق دستورات خودشان او را مجازات کنند.
و محقق (ره) در شرائع میفرماید: "ولو
زنی الذمی بذمیة، دفعها الی امام الی اهل -
نخلتہ لیتیموا علیه الحد علی معتقدہم، و
ان شاء اقام الحد بموجب شرع الاسلام."
یعنی اگر مرد ذمی با زنیکه از اهل ذمه
است زنا کند، امام و رهبر مسلمین اگر
خواست خود طبق احکام اسلام در باره او
حد را جاری میکند و اگر خواست به اهل
ملت و مذهب خودشان تحویل میدهد تا
مطابق حکم مذهبشان کیفر نمایند.

امام امت در کتاب تحریر الوسیله، جلد
دوم در کتاب حدود و اقسام آن مسئله ۷
میفرماید:

"قالوا: الحاکم بالخیار فی الذمی بین
اقامة الحد علیه و تسلیمه الی اهل نخلتہ و
ملته لیتیموا الحد علی معتقدہم والأحوط
اجرا الحد علیه.

گفتند، حاکم شرع مخیر است بین این
که حد اسلامی را در باره اهل ذمه اعمال
نماید و یا اینکه به اهل مذهب خودشان تحویل
دهد تا طبق اعتقاد خودشان او را مجازات
کنند ولی احتیاط واجب این است که حاکم
شرع، حد اسلامی را بر او جاری کند.

وسائل الشیعه باب ۲۹ ابواب مقدمات -
الحدود و احکامها - ص ۳۳۸ ج ۱۸:

۱ - "عبدالله بن جعفر فی قرب الاسناد
عن عبدالله بن الحسن عن علی بن جعفر
عن أخیه موسی بن جعفر علیهما السلام
قال: سألتہ عن یهودی و نصرانی و مجوسی
أخذ زانیاً او شارب خمر، ما علیہ؟ قال:

"یقام علیه حدود المسلمین اذا فعلوا
ذلک فی مصرین (مصار المسلمین) و فی غیر اعمار
المسلمین اذا رفعوا الی حکام المسلمین."
علی بن جعفر برادر حضرت موسی بن -
جعفر علیهما السلام نقل میکنند که: از ایشان
سؤال کردم در باره شخص یهودی و یا
نصرانی و یا مجوسی که در حال زنا و شارب

اول بهمن - اعدام انقلابی حسنعلی
منصور، نخست وزیر شاه پلید، توسط شهید
محمد بخارانی و یارانش. (۱۳۴۳)

چهارم بهمن - اشغال نظامی فرودگاه
مهرآباد توسط بختیار خاثن جهت جلوگیری
از فرود هواپیمای حامل امام (۱۳۵۷)

پنجم بهمن - شهادت برادران لبافی نژاد
و صدیه لباف توسط ساواک، در اثر خیانت
منافقین خلق. (۱۳۴۵)

پنجم بهمن - شکست توطئه عناصر ضد -
انقلاب در حمله به مردم قهرمان آمل (۱۳۶۰)

هفتم بهمن - تحصن روحانیون مبارز در
دانشگاه تهران و اعتراض به جلوگیری رژیم
از ورود امام خمینی به ایران. (۱۳۵۷)

هشتم ربیع الثانی - ولادت امام حسن
عسکری "علیه السلام". (۲۳۲ هـ. ق)

دوازدهم بهمن - بازگشت پیروز زندان
امام خمینی به وطن و آغاز دهه فجر (۱۳۵۷)

هفدهم بهمن - کشتار مردم مسلمان
مشهد توسط عوامل رضاخان مزدور در مسجد
گوهرشاد، که برای اعتراض به کشف حجاب
و دیگر قوانین ضد اسلامی گرد آمده
بودند. (۱۳۳۳)

نوزدهم بهمن - رژه پرسنل نیروی
هوایی، مقابل امام امت و بهمان بستن با
امام در مدرسه رفاه. (۱۳۵۷)

بیستم بهمن - حمله گارد شاهنشاهی به
نیروی هوایی. (۱۳۵۷)

بیست و یکم بهمن - شکسته شدن حکومت
نظامی، به فرمان امام خمینی. (۱۳۵۷)

بیست و دوم بهمن - یوم الله پیروزی
انقلاب شکوهمند اسلامی ایران. (۱۳۵۷)

بیست و سوم بهمن - تشکیل کمیته های
انقلاب اسلامی به فرمان امام خمینی (۱۳۵۷)
بیست و نهم بهمن - قیام مردم مسلمان
تبریز در جهلم شهدای قم. (۱۳۵۶)